

نقش پرستش و بندگی خدا در فرهنگ زندگی و کمال انسانی از دیدگاه آیات قرآن و روایات

شهربانو عباسزاده*

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۲۳

چکیده

پرستش و بندگی از محوری‌ترین آموزه‌های قرآنی و اسلامی است. پرستش از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد، زیرا ناظر به هدف آفرینش انسان است. زندگی بشر بر مدار این حقیقت می‌گردد با توجه به فرمایش خدا در قرآن: ﴿مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِي﴾ (ذاریات/۵۶). به نظر می‌رسد واژه «عبودیت» - به دلیل کاربردهای آن - به مفهوم «بندگی»، «بردگی»، «مملوکیت» و مانند آن است. پرستش روحی است که به اعمال حیات می‌بخشد، و معبر اصلی هدایت فرهنگی است بدین صورت که هر فرد ناخودآگاه بر جامعه‌اش تأثیرگذار است رفتار هر فرد جامعه را نیز به جامعه آرمانی می‌رساند. در این نوشتار سعی شده تا ابتدا معنای عبودیت و فرهنگ و سپس تأثیر آن بر کمال مورد بررسی قرار گیرد. در برخی موارد برای کامل‌تر شدن بحث، روایاتی آورده شده است. از جمله نقش‌هایی که بر فرد و اجتماع دارد عبارت‌اند از تسلط معنوی - کمال فردی و اجتماعی - عاقبت به خیری و شهادت و... است. یکی از مواردی که عبودیت در آن نقش دارد، از خودگذشتگی است که در ارتباط با دیگران مفهوم پیدا می‌کند، بنابراین عبودیت در بخش اجتماعی نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژگان: عبد، نقش عبودیت، کمال گرایی، انسانیت، اخلاق.

مقدمه

بندگی اساسی‌ترین هدف خلقت انسان است. هدفی که بالاتر از هر چیزی است، به گونه‌ای که حتی از مقام نبوت هم بالاتر است. این مقوله به زمان هبوط اولین انسان و اولین پیامبر، حضرت آدم(ع)، برمی‌گردد. وقتی در قرآن می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»: «و جنّ و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند» (الذاریات/ ۵۶) یعنی عبودیت از زمان خلقت جن و انس برای ارتباط با خالق وجود داشته است. عبودیت اطاعت بی قید و شرط و فرمانبرداری در تمام زمینه‌هاست. مقوله عبودیت به قدری مهم است که اگر کسی عملی را انجام دهد پذیرفته نمی‌شود مگر آنکه به خاطر خدا انجام شود. تکنولوژی روز به روز در حال پیشرفت است و به واسطه آن مشغله انسان‌ها بیش‌تر شده، و وقتی مشغله بیش‌تر شود استرس و نگرانی بیش‌تر می‌شود و این استرس‌ها به خاطر این است که عملشان روح [عبودیت] ندارد یا به عبارتی هدف ندارند. عبادت تنها رکوع و سجود و قیام و قعود نیست، بلکه روح عبادت تسلیم بی قید و شرط در برابر کمال مطلق که همان عبودیت است می‌باشد.

سؤالات این مقاله عبارت‌اند از: عبودیت یعنی چه؟ چه تفاوتی با عبادت دارد؟ عبودیت، چه نقشی بر فرهنگ و کمال دارد؟
روش جمع آوری مطالب به صورت کتابخانه‌ای - نرم‌افزاری، و شیوه نوشتن آن به شکل توصیفی - تحلیلی و با رویکرد تفسیری - روایی است.

پیشینه تحقیق

شواهد باستان‌شناسی، دوره‌ای از تاریخ را نشان می‌دهد که مربوط به چهل تا شصت هزار سال پیش است. آثار مکشوفه از غرب ایران (لرستان) حکایت از رواج گسترده مراسم مذهبی و دینی در این سرزمین دارد، و این ناقص نظریه جان بولاک انگلیسی است که به مرحله بی‌دینی در ادوار اولیه تاریخ انسان معتقد بود. همو بود که می‌گفت: پائین‌ترین مرحله حیات انسان، مرحله لادینی و خدانشناسی است؛ بعدی مرحله فتیش پرستی است؛ مرحله سوم، توتمیسم یا طبیعت پرستی است، مرحله چهارم جادوگری است و مرحله پنجم بت پرستی است و مرحله ششم توحید اخلاقی می‌باشد.

در کل، در مسأله پرستش دو طرز تفکر مختلف در دنیا وجود دارد: یکی این است که پرستش بشر از پرستش سنگ و چوب و... شروع شده تا می‌رسد به پرستش خدا. بسیاری از فرنگی‌ها، می‌نویسند که پرستش در بشر ابتدا از پرستش همین بت یا پدر خانواده (رییس خانواده) شروع شد، تا رسید به خدای قبیله، از خدای قبیله به خدای مملکت، بعد خدای منطقه، بعد خدای زمین، خدای آسمان، خدای آسمان‌ها، بعد چند خدا، تا در آخرین مرحله رسید به خدای یگانه. قرآن می‌گوید اول پرستش خدای یگانه بوده، انحراف از پرستش خدای یگانه منجر به بت پرستی‌ها شده است. این، دو نوع تاریخ دین بر ضد یکدیگر است. مکتب قرآن این است که اولین چیزی که در روی زمین پیدا شده توحید است، چون اولین چیزی که در زمین پیدا شده حجت خداست. مکتب اسلام انبیا این است: اولین کسی که خدا در زمین فرستاد پیغمبر بود و هیچ وقت زمین خالی از حجت خدا نیست و اگر در روی زمین دو نفر باقی بمانند یکی از آن‌ها حجت خدا خواهد بود. این است که قرآن در بت پرستی ریشه‌هایی از خداپرستی به دست می‌دهد که انحرافات خداپرستی به اینجا رسیده است.

با بررسی‌های کتب و مقالات مختلف در این زمینه موضوعی تحت این عنوان یافت نشد و مواردی که یافت شد عبودیت و یا فرهنگ و کمال را به طور جداگانه بررسی کرده بودند. در این پژوهش سعی بر آن شده تا این موضوع بیش‌تر از دیدگاه قرآن و روایات مورد بررسی قرار گیرد.

معنای پرستش و تفاوت آن با عبادت

«عبودیت» (همانند عبادت) در اصل، به نظر بسیار از واژه‌شناسان، به مفهوم «خضوع» است (حسینی زبیدی، ج ۲: ۴۰۹ و ۴۱۰) و در استعمال متداول آن، به معنای خضوع (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۱۹) (که همان معنای اصلی است)، اطاعت (شرتونی، ج ۲: ۳۷۳) و پرستش آمده است (خمینی، ۱۳۶۳ش، ج ۱: ۱۱۱). برخی نیز «عبودیت» را مرادف با «عبادت» دانسته‌اند (لویس معلوف، واژه «عبد»؛ حسینی زبیدی، ج ۲: ۴۱۰)، که البته این دیدگاه با کاربردهای این واژه سازگار نیست. زیرا لفظ «عبادت»، در استعمال شایع آن، نوعاً درباره خدا به کار می‌رود، در حالی که لفظ «عبودیت» در مورد انسان نیز فراوان استعمال می‌شود. در برخی دعاها آمده است: «... ای کسی که یوسف را بعد از

عبودیت [بردگی] پیامبر قرار دادی» (مجلسی، ج ۸۷: ۱۹۷). در کتاب‌های فقهی نیز عبودیت در مورد غلام و برده استعمال شده است (به عنوان مثال در کتب فقه آمده است: «و لا يجوز رد الحر الى العبودية»، یعنی، جایز نیست انسان حر و آزاد شده را به بردگی و عبودیت برگرداند) (مختلف الشیعه: ۵ / ۱۷۲).

به نظر می‌رسد واژه «عبودیت» - به دلیل کاربردهای آن - به مفهوم «بندگی»، «بردگی»، «مملوکیت»، «عبودیت» و مانند آن است (مجلسی، بحار، ج ۲۷: ۱۵۴). عبودیت اگر به خدا انتساب پیدا کند، شخص به واسطه آن، عنوان «عبدالله» می‌یابد (کلینی، ج ۶: ۱۸). در شب معراج به پیامبر خطاب شد: «هرچه از سعادت‌ها که می‌خواهی درخواست کن!» پیامبر گفت: من را به عبودیت خودت منتسب کن! در این هنگام این آیه «سبحان الذی اسرى بعبده...» نازل شد (غزالی، ۱۳۷۵ ش: ۹۰). عبادت از مقوله «فعل» و عمل است، اما عبودیت «صفت» است که انسان به آن متصف می‌گردد. به عبارت دیگر، غرض اصلی از خلقت انسان، عبودیت است (نگارنده) (ذیل آیه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات/۵۶)) (المیزان، ج ۱۸: ۳۸۶). عبودیت نفع و نتیجه‌اش فقط معنوی است، اما عبادت نفع مادی نیز دارد، مثل عفت و حیا که به نفع خود انسان است. یا شکر کردن که باعث افزایش روزی ﴿لئن شكرتم لأزيدنكم﴾ می‌شود (ر.ک: خمینی، تهذیب الاصول، ج ۱: ۱۱۱).

فرهنگ، تعالی و کمال

فرهنگ، مجموعه اموری است که به روح و فکر انسان، شکل می‌دهد و انگیزه اصلی او را به سوی مسائل مختلف، فراهم می‌سازد. مجموعه عقائد، تاریخ، آداب و رسوم جامعه همان فرهنگ جامعه است (مکارم، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۸۵). در جای دیگر آمده: «فرهنگ»، ویژگی زندگی انسان یا جنبه‌های جداکننده انسان از حیوان است (ر.ک: صاحبی: ۸۶). فرهنگ، به مفهوم عام خود، روش زندگی کردن و اندیشیدن است و حاصل دانسته‌ها و اعتقادهای یک قوم است (ندوشن: ۳۵).

متعالی: رفیع‌المقام. طبری فرموده متعالی و عالی هر دو یکی است، مقتدری را گویند که محال است کسی با آن مساوی باشد (طبری، ج ۶: ۴۳۱): «عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ» (رعد/۹). تعالی: به معانی بلندشدن و برآمدن (دهخدا، ذیل واژه «تعالی»)،

بلندپایه گردیدن، برتری (معین، ذیل واژه «تعالی») بلند شدن و برتر شدن (عمید، ذیل واژه «تعالی») آمده است. طبق آنچه گفته شد، تعالی به بالا رفتن درجه و مقام یک چیز گفته می‌شود و این همان کمال است.

بررسی موضوع

مقام عبودیت دارای مراتب هفت‌گانه است. مرتبه اولش ایمان، مرتبه دوم عبودیت خضوع و خشوع، مرتبه سوم تسلیم و رضا، مرتبه چهارم نشاط و بهجت، مرتبه پنجم ذلّ عبودیت و عزّ ربوبیت، مرتبه ششم قرب خدا (کمال نهایی انسان) و مرتبه هفتم حضور قلب است. از آنجایی که هرچه بر شخص تأثیرگذار باشد به تبع بر اجتماع نیز تأثیرگذار است چون جامعه هم متشکل از افراد و اشخاص است. به همین دلیل نقش عبودیت بر فرهنگ و کمال در دو بخش فردی و اجتماعی قابل بررسی می‌باشد:

بخش فردی

الف. نقش سلطه‌گرایی (تسلط همه جانبه)

کسی که به عبودیت الهی می‌رسد، خدا هم به پاس زندگی عبودی‌اش، او را به جایگاهی می‌رساند که می‌تواند بر هر چیز سلطه داشته باشد.

۱. تسلط بر نفس

نخستین نقش و ثمره «عبودیت»، تسلط انسان بر خواهش‌های نفسانی است، در نتیجه این تسلط، فرد از نظر کمال روحی به پایه‌ای می‌رسد که می‌تواند اختیار «نفس اماره» را به دست گیرد. به این مرحله از کمال «ولایت بر نفس» می‌گویند. در سوره مبارکه نازعات می‌فرماید: ﴿فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ ۖ وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ۖ فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ ۖ وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ ۖ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ ۖ﴾، تسلط بر نفس و مبارزه با هواهای نفسانی ثمره عالی عبودیت و بندگی خداوند می‌باشد. ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ (العنکبوت/ ۴۵) نمازگزار از گناه باز می‌ماند، و بر نفسش غلبه می‌یابد. همچنین می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ...﴾ (بقره/ ۱۸۳). روزه نیز یک نوع عبودیت و بندگی برای ذات اقدس الهی است که نتیجه آن ولایت بر نفس است. در آیات ۴۲ سوره

حجر و ۶۵ اسراء می خوانیم: ﴿إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ﴾؛ طبق این آیه شریفه یکی از نشانه‌های بندگی و عبودیت این است که بنده خدا مسخر شیطان نشود، و اجازه ندهد شیطان بر نفس او مسلط گردد. البته همانطور که در برخی از آیات قرآن مجید آمده، ممکن است شیطان بندگان خاص خدا را وسوسه کند و حتی آن‌ها بر اثر وسوسه‌های شیطان لغزشی هم داشته باشند، ولی هرگز شیطان بر آن‌ها مسلط نمی‌شود (سبزواری نجفی، ج ۴: ۱۸۵؛ مکارم، والاترین بندگان: ۱۷). ﴿إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ (النحل/۹۹). از این آیه دو نکته استفاده می‌شود: ۱. استعاذه به خدا، توکل بر خدا است، زیرا خدای سبحان در تعلیل لزوم استعاذه، به جای استعاذه توکل را آورده و سلطنت شیطان را از متوکلین نفی کرده. ۲. ایمان و توکل، دو ملاک صدق عبودیت‌اند، که ادعای عبودیت با نداشتن آن دو، ادعایی کاذب است (ر.ک: طباطبایی، ج ۱۲: ۳۴۴). انسان‌های با ایمان تسلط بر نفس و شیطان دارند. اعتبار عقلی هم با این معنا می‌سازد، زیرا توکل عبارت است از اینکه: انسان زمام تصرف در امور خود را به دست غیر خود دهد، و تسلیم او شود که هرچه او صلاح دید و کرد همان را صلاح خود بداند، و این خود اخص آثار عبودیت است.

۲. تسلط بر افکار پراکنده و نیروی مخیله

پویندگان راه بندگی، به واسطه تکامل و قدرتی که در سایه بندگی پیدا می‌کنند، بر تمام اندیشه‌های پراکنده خود تسلط پیدا می‌کنند، و بر قوه تخیل خویش که به سان گنجشکی از این شاخه به آن شاخه می‌پرد، مسلط می‌گردند. و در حال عبادت، آنچنان تمرکز فکری و حضور قلب پیدا می‌کنند که از غیر خدا غافل می‌شوند و غرق جمال خدا می‌گردند، تا آنجا که در حال نماز پیکان تیر از پای آنان بیرون کشیده می‌شود و به آن توجه پیدا نمی‌کنند، و پس از فراغ از نماز از جریان آگاه می‌گردند (مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۳: ۴۹۵) (این دو جریان در حالات امیر مؤمنان (علیه السلام) و حضرت سجاد (علیه السلام) نقل شده). «عبادت فکر را از توجه به مسایلی مربوط به طبیعت و ماده، به سوی تصورات ملکوتی می‌کشاند. قوای فکری تسلیم باطن و فطرت خداجویی انسان می‌گردند و مطیع او می‌شوند» (ابن سینا، ج ۳، نمط نهم: ۷۰ تحت عنوان

«تنبیه»). از این جملات/بن سینا، به طور مستقیم تسلط بر افکار پراکنده با داشتن روح عبودیت بر عبادت، نتیجه می‌شود و نیاز به توضیح بیش‌تر ندارد.

آیات ۹۷ ﴿قُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ﴾ و ۹۸ ﴿وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ﴾ سوره مؤمنون، این حقیقت را بیان می‌کند که هرچه انسان از خدا دور باشد تسلطش بر افکار و اعمالش کم‌تر می‌شود. /امام عسکری(ع) فرموده: همزه شیطان آن وسوسه‌هایی است که در دلت می‌اندازد(قمی، ج ۲: ۹۳). در تفسیر علی بن ابراهیم: منظور از آن(همزات)، وسوسه‌های شیطانی است که در قلب تو می‌افتد(عروسی الحویزی، ج ۳: ۵۵۲)، و نیز به معنای گمراه کردن است (مجمع البیان، ج ۷: ۱۱۶).

یکی از مصادیق گمراهی و وسوسه بر دل انسان، کنترل نکردن اعضا و جوارح است که از آن جمله کنترل زبان است. آن کسان که هر کجا می‌نشینند و هر کس را می‌بینند، زبان به بیهوده گوئی می‌گشایند، و زشتی این خوی آن‌ها به فرزندان‌شان و دیگران سرایت می‌کند و علاوه بر انحراف خود وسیله ابقای این خوی زشت در اجتماع می‌شوند. این گونه افراد خود را گرفتار افکار پراکنده و بدبینی نسبت به مردم می‌کنند و پیوسته در رنج گفته‌های اشخاص هستند این خود رفتاری است که از طریق همزات شیاطین، برای خود فراهم کرده‌اند، و خود مسئول آن هستند(عاملی، ج ۵: ۴۴۷- و ج ۶: ۲۹۰). باید همه مؤمنان از پروردگار که مالک و مدبر آن‌ها است بخواهند لحظه‌ای آن‌ها را به حال خودشان وا نگذارد(عاملی، ج ۶: ۲۹۱ و ۲۹۲). تسخیر قلب خویشتن و حکومت بر آن، به گونه‌ای است که هیچ تصوّر و خاطره‌ای بر او وارد نشود مگر به اختیار و اذن او؛ (مکارم، ۱۳۷۷ش، ج ۱: ۱۳۵ و ۱۳۸) و به تعبیر دیگر، افکار پراکنده بی‌اختیار فکر او را به خود مشغول ندارد، و این یکی از کارهای مشکل است که با عبودیت خدا راحت و آسان می‌شود.

ب. نقش هدایتی و معرفت بخشی

۱. هدایت به صراط مستقیم

«صراط مستقیم» نزدیک‌ترین راه وصول الی الله است(خمینی، ۱۳۷۵: ۷۰ و ۷۱). شاید ﴿يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ﴾ (نحل / ۹۳؛ فاطر / ۸) اشاره به این مرتبه از هدایت باشد(خمینی، ۱۳۷۵ش: ۷۳).

عبودیت زمینه راهیابی به صراط مستقیم است. در آیات قرآن نیز این موضوع حائز اهمیت است: ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ (حمد/ ۵ و ۶) و ﴿وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ (صافات/ ۱۱۸) و ﴿وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (انعام/ ۸۷ و ۸۸ و ۹۰) و ﴿فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾ (آل عمران/ ۵۱؛ زخرف/ ۶۴؛ مریم/ ۳۶) و ﴿قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا﴾ (انعام/ ۱۶۱) و ﴿وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾ (یس/ ۶۱) راه راست را راه بهشت می‌داند (طبرسی، ج ۸: ۶۷۳)، و همچنین بهترین محرک انسان‌ها چراکه هر کس گرفتار شود مهم‌ترین چیزی که به آن می‌اندیشد پیدا کردن راه مستقیم است. نتیجه آنکه عبودیت یعنی بنده از خدایش درخواست می‌کند که عبادتش در چنین صراطی قرار گیرد (طباطبایی، ج ۱: ۲۸) یعنی عبودیتی که در جهت صراط مستقیم نباشد، عبودیت نیست. یک موحد و خدانشناس هم باید بر یگانگی ذات و صفات خدا ایمان داشته باشد و هم تمام کارها را از خدا بداند.

۲. بینش خاص

از مزایای دیگر عبودیت بر کمال انسان این است که انسان در سایه صفا و روشنایی درونی بینش خاصی پیدا می‌کند، حق و باطل را به روشنی تشخیص می‌دهد و هرگز گمراه نمی‌شود. در قرآن کریم از این بینش خاص به «فرقان» تعبیر شده است. چنانکه می‌فرماید: ﴿إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾ (الأنفال/ ۲۹). مقصود از «فرقان» همان بینش خاصی است که سبب می‌گردد انسان حق و باطل را خوب بشناسد (طبرسی، ج ۴: ۸۲۵؛ ابن عربی، ج ۱: ۲۵۴). در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَهُمْ صُبُلًا﴾ (العنکبوت/ ۶۹)؛ «معیت»: الف. به معنای نصرت و یاری محسنین، ب. به معنای رحمت و عنایت ویژه است (آلوسی، ج ۲۱: ۱۵).

ج. نقش کمال‌گرایی

۱. بی‌نیازی روح از بدن (و تصرف در بدن)

در جهان طبیعت، روح و بدن به یکدیگر نیاز مبرم دارند. از آنجا که روح بر بدن «علاقه تدبیری» دارد، بدن را از فساد و خرابی بازمی‌دارد. اما گاهی روح، بر اثر کمال و

قدرتی که از ناحیه عبادت و بندگی حق پیدا می‌کند، از استخدام بدنی بی‌نیاز می‌شود و می‌تواند خود را از بدن «خلع» کند و ساعت‌ها بدن بی‌روح بماند. همچنین بندگی، آنچنان قدرتی به انسان می‌بخشد که بدن، تحت فرمان اراده انسان کامل قرار می‌گیرد و انسان کارهای خارق العاده‌ای انجام می‌دهد و هر تصرفی که بخواهد، در بدن خودش می‌کند. حتی این قدرت را پیدا می‌کند جلو حرکت قلب خودش را یک ساعت بگیرد و نمیرد، یا دو ساعت نفس نکشد و نمیرد و یا اینکه طی الارض کند. این اثر عبودیت است (مطهری، ج ۲۳: ۴۹۳). ماجرای حضرت خضر در سوره کهف که از وی به عنوان «عبد من عبادنا» یاد شده بهترین مثال برای این بخش است.

۲. تصرف در جهان

در پرتو عبادت و بندگی، نه تنها حوزه بدن تحت فرمان و محل نفوذ اراده انسان قرار می‌گیرد، بلکه جهان طبیعت، مطیع انسان می‌گردد و به اذن پروردگار جهان، قدرت بر تصرف و تسلط بر تکوین پیدا می‌کند. مطالعه و بررسی آیات مربوط به عیسی و یوسف و داوود و سلیمان (علیهم السلام) و کارهای شگفت آور آنان، ما را به این نکته هدایت می‌کند (سبحانی، ج ۵: ۱۷۲-۱۷۷) و نیز در آیه دیگر می‌فرماید: حضرت یوسف پیراهن خود را به وسیله فردی که قرآن او را «بشیر» می‌خواند برای یعقوب فرستاد و گفت آن را بر چهره پدرم بیفکن، او بینایی خود را باز می‌یابد. بشیر پس از پیمودن فاصله مصر و کنعان، پیراهن را بر صورت یعقوب (علیه السلام) افکند و او بینایی خورد را باز یافت. این قدرتی است که بر اثر عبودیت خالق خود و به اذن او به دست آورده است (یوسف/ ۹۳ و ۹۶)، به این دلیل که هر کس در مسیر پرستش خدا باشد خدا نیز به پاس این عمل خیرش، نعمتی به او می‌بخشد، که در سایر افراد وجود ندارد (نظر نگارنده). چون خدا به هر چیز اذن دهد محقق می‌شود (با توجه به ﴿...وَتَبَرَّئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِ وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ...﴾ (المائدة/ ۱۱۰) و نیز آیه ﴿...أُخِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ...﴾ (آل عمران/ ۴۹)). مفسران معمولاً این عمل را به عنوان یک معجزه و خارق عادت برای یعقوب یا یوسف شمرده‌اند. و یا اینکه عظمت روح او سبب شده باشد که احساسی را که از حمل پیراهن یوسف بر برادران دست داده بود از آن فاصله دور در مغز خود جذب کند (مکارم، ۱۳۷۴ش، ج ۱۰:

۷۲) و این چیزی نیست جز ارتباط خیلی نزدیک با خالق هستی که این توانایی خارق العاده را به حضرت یعقوب می‌دهد و به انسانی که ارتباط خیلی نزدیکی با او دارد، حتی قدرت تصرف در جهان و محیط اطرافش می‌دهد.

د. نقش زیبایی شناختی اخلاقی

۱. عفت

امام/امیر المؤمنین(ع) عفت را برترین عبادت شمرده است: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعِفَافُ» (کلینی، ج ۲: ۷۹). همانطور که قبلاً بیان شد، بهترین عبادت عبادتی است که روح عبودیت در آن تجلی کرده است، پس می‌شود گفت عفت در حدیث بالا نعمتی است که شخص با عبودیت به آن می‌رسد. در این آیه به خوبی به این امر اشاره شده است: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا اَنْ رَّاى بُرْهَانَ رَبِّهٖ..» (یوسف/۲۴). سخن از «عفت» و پاکدامنی یوسف(ع) است که در سخت‌ترین شرایطی که تمام اسباب گناه در آن آماده بود، خود را حفظ کرد. به خداوند خویش پناهنده شد(مکارم، ۱۳۷۷ش، ج ۲: ۳۱۹). عبودیت و بندگی یوسف(ع) در جای دیگر او را در آن لحظه بحرانی نجات داد. کسی که عبودیت خدا را در دل داشته باشد، خداوند قدرتی(از جمله حیا و عفت) به او می‌دهد تا در هر شرایطی خود را از آلودگی گناه حفظ کند.

۲. صبر

عابدان حقیقی، در ناگواری‌های روزگار به مردم شکایت نمی‌کنند، بلکه در پیشگاه الهی عرض شکایت می‌کنند که عملی شایسته است. همانطور که قرآن کریم درباره حضرت یعقوب می‌گوید: «إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ» (یوسف/۸۶). آیات زیادی در این زمینه وجود دارند که مجال برای ذکر همه آنها نیست. به عنوان نمونه به آیه ۱۵۳ سوره بقره اشاره می‌کنیم: «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» یعنی تاثیری که عبودیت بر یک نفر می‌گذارد، این است که؛ در مشکلات صبر می‌کند و روحش را به وسیله نماز قوی و مستقل می‌کند(جعفری، ج ۱: ۴۰۱). به دلیل اینکه نماز به عنوان یک عمل عبودی از طرف خدا به انسان سفارش شده و در کنار آن به صبر معطوف شده است، یعنی انسان با

نمازی که یکی از مصادیق عبودیت است، صبرش را افزایش می‌دهد، و هر دوی آن‌ها عملی هستند که روح پرستش در آن متجلی شده است. عبودیت خداوند، «شرح صدر» و ظرفیت روحی وسیعی به انسان می‌بخشد، به گونه‌ای که حتی در سخت‌ترین شرائط از تحمل و رضای خاصی برخوردار است: ﴿حَسْبِنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ (آل عمران/ ۱۷۳)، و نیز مولای مان علی (علیه السلام) می‌فرماید: «برای خدا در [حالت رفاه و] آسانی، نعمت تفضل است و در [حالت] سختی، نعمت پاک شدن [از گناه] است» (تمیمی آمدی: ۱۰۰). چنین دیدگاهی، به انسان ظرفیت و بردباری فوق العاده می‌بخشد. بارزترین مثال در این زمینه، حضرت زینب (ع) است که با عبودیت خدا به بالاترین درجه صبر رسید.

۳. تواضع و فروتنی

از جمله آیاتی که به این موضوع پرداخته است عبارت‌اند از: ﴿وَعِبَادَ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَتُشَوَّرُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا﴾ (فرقان/ ۶۳). نخستین نشانه بندگی همان تواضع است، تواضعی که در تمام ذرات وجود آنان نفوذ کرده و حتی در راه رفتن آن‌ها آشکار است (اسراء/ ۳۷). و عابدان حتی در برخورد با افراد جاهل و سبک مغز هم افرادی بزرگوار و متواضع‌اند و در برابر سخنان بیهوده آن‌ها سلام می‌گویند. این سلام نشانه بزرگواری و بی‌اعتنایی به سخنان بیهوده آن‌ها است نه محبت و دوستی. «با تواضع و محبت کارها نظم و سامان می‌یابد!» (تمیمی آمدی: حدیث ۴۳۰۲) یعنی اگر خواص و اهل فهم و بینش جامعه، متواضع باشند، اثر وجودی آنان ظاهر شده و برای جامعه سودمند خواهند بود (ر.ک: حیدری، ۱۳۸۲: ۸۰). قرآن دو گروه یهود و نصارا را نسبت به مسلمانان مقایسه کرده، گروه اول را دشمن‌ترین و گروه دوم را نزدیک‌ترین کسان به مسلمانان می‌داند.

بخش اجتماعی

الف. نقش عاقبت به خیری اجتماعی

۱. تشکیل حکومت واحد جهانی و به ارث بردن زمین

از آیاتی که این موضوع را به خوبی تبیین می‌کند آیه ﴿... أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء/ ۱۰۵) است؛ با توجه به کلمه "صالحون" که معنی گسترده و وسیعی

دارد، همه شایستگی‌ها به ذهن می‌آید: شایستگی از نظر عمل و تقوا و... (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۵۱۸؛ همان، ۱۴۲۱ق، ج ۱۰: ۲۵۶؛ العروسی الحویزی، ج ۳: ۴۶۴). اکثر تفاسیر از بندگان صالح خدا در این آیه به عنوان اصحاب حضرت مهدی (عج) یاد می‌کنند (طوسی، ج ۷: ۲۸۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۳۵۷). برخی نیز از آن به عنوان تمام مؤمنین یاد می‌کنند (شاه عبدالعظیمی، ج ۸: ۴۵۲؛ سیوطی، ۱۴۱۶ق: ۳۳۴). برخی از تفاسیر از ائمه معصومین (ع) و پیروان آن‌ها به عنوان بندگان صالح خدا یاد می‌کنند (حسینی استرآبادی: ۳۲۶؛ بغوی، ج ۳: ۳۲۰) و برخی منظور از آن را شیعیان می‌دانند (ابن عجبیه، ج ۳: ۵۰۴). همچنین: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْفِنَهُمْ فِي الْأَرْضِ...﴾ (نور/۵۵)؛ حکومت مهدی (ع) مصداق کامل این آیه است، ولی مانع از عمومیت و گستردگی مفهوم آیه نخواهد بود. روایات این آیه را به حضرت مهدی (عج) و یارانش نسبت داده‌اند (برخی از آدرس‌های این روایات: بحار الانوار، ج ۵۴: ۵۱، ح ۳۴ و ۵۸، ح ۵۰؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۹: ۳۳۹). برخی از کتب حدیثی عبودیت در این آیه را به ولایت علی (ع) نسبت داده‌اند (از جمله تفسیر ابن شهر آشوب، ج ۳: ۶۳). امام سجاد (ع) فرمود: به خدا آن‌ها شیعه ما هستند که خداوند به دست مردی از ما که مهدی این امت است، این وعده‌ها را درباره آن‌ها انجام می‌دهد (آلوسی، ج ۹: ۳۹۶).

ب. نقش هدایتی - اجتماعی

۱. جلوگیری از گناه و فحشا

عبودیت به صورت یک عمل فردی، انسان را از گناه باز می‌دارد و این باعث می‌شود فحشاء و بی‌بند و باری در جامعه کم‌تر شود، چون جامعه متشکل از افراد است. تمام ارتباطات فردی انسان روزی بر جامعه نیز تأثیر می‌گذارد. ﴿اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ...﴾ (رعد/۸)؛ تمام گناه‌ها، ظلم‌ها و تجاوزهایی که از بشر سر می‌زند برای این است که خود را در محضر خدا ندانسته، او را ناظر بر اعمال خود نمی‌داند (تعالیم قرآن، ج ۶: ۱۰۵). امام خمینی: «تمام عالم محضر اوست» (صحیفه نور، ج ۱۶: ۲۴۲). می‌گویند پدر و فرزندی وارد باغی شدند، پدر به قصد چیدن میوه بدون اجازه صاحب باغ به بالای درختی رفت، پدر پرسید نفهمیدم چه کسی بود که مرا می‌دید، پسر گفت:

کسی از بالای سرت! نگاه به بالا کرد چیزی ندید، گفت منظورم خدا است. چگونه ممکن است از نگاه کردن انسانی وحشت داشته باشی اما از اینکه خدا تو را در هر حال می بیند، وحشت نمی کنی؟ این چه ایمانی است؟! (تفسیر نمونه، ج ۱۰: ۱۴۰). اینکه انسان احساس کند هر لحظه در محضر خداست، باعث می شود، گناه نکند.

ج. نقش زیبایی شناختی اخلاق اجتماعی

۱. عفو و گذشت

قوی ترین عامل برای امتحان های عمومی همانا اختلاف دل ها است، اینجا است که باید بلائی عمومی بیاید، تا مؤمن از منافق، و مؤمن راسخ الایمان هم از مؤمن متلون و رنگارنگ سست ایمان متمایز گردد و معلوم شود آنکه منافق است کیست و آنکه مؤمن است ایمان قلبی اش در چند درجه از فشار از بین می رود، و با همه این حرف ها خدای تعالی به فضل و کرمش از خطای آنان صرف نظر کرد، و همه را بخشید: ﴿وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ﴾ (آل عمران/ ۱۵۲) (طباطبایی، ج ۴: ۴۴). دلیل این امر الهی عابد بودن مسلمانان بود، و گرنه چرا کفار را نبخشید. کسی که متصف به صفت خدایی می شود اخلاق و رفتارش نیز الهی می شود. چون خدا باگذشت است آن ها نیز عفو و گذشت دارند. حضرت امیر المؤمنین: «کم گذشت کردن از زشت ترین عیب هاست» (تمیمی آمدی: ۴۶۵). خداوند متعال می فرماید: ﴿وَلَوْ يَأْخُذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهِمْ دَابَّةً﴾ (فاطر/ ۴۵). اگر خدا نمی بخشید هیچ جنبنده ای باقی نمی ماند (طباطبایی، ج ۶: ۱۷). بخشیدن خدا در این آیات، این موضوع را متصف می کند که بندگان خاص خدا نیز این ویژگی را دارا هستند. ﴿فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ﴾ (مائده/ ۱۳) و ﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ﴾ (اعراف/ ۱۹۹)؛ در اینجا کسی که گذشت می کند، به عنوان فرد نیکوکار خطاب شده است، و این کار نیکویی است که فقط افراد عابد و متصف به صفت عبودیت به آن دست پیدا می کنند.

۲. سخن و رفتار نیکو

کسی که عبودیت داشته باشد، حسن خلق دارد. چون عبودیت و پرستش در راستای اخلاق و رفتار نیک است. ﴿وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...﴾ (الإسراء/ ۵۳). در مورد واژه

«احسن» تفاسیر مختلف است از جمله منظور دعوت به اسلام و گفتن لا اله الا الله است (مظهري، ج ۵: ۴۴۸؛ بغوی، ج ۳: ۱۳۸). یا اینکه در سخنان خود ادب را رعایت کند و بذله گوئی نکند (حسینی همدانی، ج ۱۰: ۸۸). در حق دیگران و در برخورد با آنها کلمات نیک گفته شود (طیب، ج ۸: ۲۶۸؛ ثقفی تهرانی، ج ۳: ۳۶۸). در روایات نیز به این امر مهم اشاره شده است. /امام باقر(ع) می فرماید: «بهترین سخنی را که دوست دارید به شما بگویند، به مردم بگویند» (محمدی ری شهری، ج ۳: ۲۷۴۲).

۳. عدل و انصاف

از جمله آیاتی که در این زمینه وارد شده، عبارت است از ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَيَنْهَىٰ ذِي الْقُرْبَىٰ...﴾ (النحل/۹۰). طبق این آیه، خداوند مردم را به سه چیز (عدل و احسان و دادن حق خویشاوند) فرمان می دهد. سیاق آیه این است که مراد از عدالت، عدالت اجتماعی است، و آن عبارت از این است که با هر یک از افراد جامعه طوری رفتار شود که مستحق آن است، و این خصلتی اجتماعی است که فرد فرد مکلفین مأمور به انجام آن اند، به این معنا که خدای سبحان دستور می دهد هر یک از افراد اجتماع عدالت را بیاورد (طباطبایی، ج ۱۲: ۳۳۱). هرگونه انحراف، افراط، تفریط، تجاوز از حد، تجاوز به حقوق دیگران بر خلاف اصل عدل است. گفته اند عدل، همان توحید است (مکارم، ج ۱۱: ۳۶۷) و این یعنی روح عبودیت بر جامعه حاکم می شود.

﴿وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ﴾ (شوری/۱۵) و ۸ مائده ﴿كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ﴾ با توجه به این آیات خداوند عدالت را وسیله ای شمرد برای حصول تقوا (طباطبایی، ج ۵: ۲۳۷) و نیز عدالت اجتماعی به عنوان یک وظیفه فردی برای اجتماع مطرح شده است. چون اولاً به آن امر شده، [قبلاً بیان شد: خدا به چیزی امر می کند که در راستای عبودیت و پرستش او باشد] به عنوان یک دستور و ثانیاً در آیه دوم (۸/مائده) انتهای آیه اشاره می کند به اینکه عدالت به تقوا و پرهیزگاری نزدیک تر است. یعنی حتماً کسی که پرستش الهی را ارج می نهد و به مرحله عبودیت خدا رسیده، به انجام این امر مهم هم اهتمام می ورزد و این خود باعث می شود جامعه ای عادلانه داشته باشیم و این جامعه همان جامعه آرمانی است، که در زمان حکومت امام زمان به آن دست می یابیم.

نتیجه بحث

پرستش و بندگی، کوتاه‌ترین مسیر برای رسیدن به کمال انسانی و قرب الهی هر انسانی است. عمل تام به دستورات الهی (قرآن) و ائمه اطهار (ع) یا همان عمل کردن به حدیث ثقلین، شرایط را برای نمونه کامل یک انسان عابد فراهم می‌کند. به طور کلی اگر بخواهیم نقش عبودیت و بندگی را در زندگی انسان در چند کلمه به طور خلاصه بیان کنیم، رساندن انسان به قرب الهی و کمال انسانی است. که با توجه به آیات و روایات بررسی شد. عبودیت به عنوان یک قوه‌ی محرکه عمل می‌کند، یعنی اگر در انجام عملی عبودیت و بندگی خالص داشته باشیم، به زبان ساده‌تر نیت الهی داشتن در کارها باعث ارزش بالای آن عمل می‌شود، به طوری که هیچ چیز با آن برابری نمی‌کند. نقش‌هایی که عبودیت بر فرد و اجتماع دارد این است که در رسیدن به قرب و کمال تسریع می‌بخشد.

همانطور که در متن نیز بررسی شد، ارزش هیچ انسانی با ارزش پیامبران برابری ندارد، و این به خاطر بنده خالص بودن آنهاست و رسیدن به آن درجه مرهون بندگی و عبودیت در اعمال و رفتارشان است. تمام رفتارهای فردی انسان در سایه عبودیت، ناخودآگاه روی رفتار اجتماعی او و در نهایت در جامعه (در رفتار بقیه انسان‌ها)، تأثیرگذار است و وجود انسان‌های با کمالات و با فرهنگ در یک جامعه، آن جامعه را به جامعه آرمانی مورد نظر امام زمان (عج) تبدیل می‌کند.

نکته‌ای که شاید خیلی از افراد را به اشتباه دچار کند، این است که عمل به ظاهر صالح انسان باعث رسیدن به قرب و کمال می‌شود، در صورتی که تا عمل روح عبودی به خود نگیرد نه تنها باعث قرب نمی‌شود، بلکه امکان دارد فرد را از مسیر اصلی (صراط مستقیم) دورتر کند.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه. ترجمه مرحوم دشتی.

- ابن بابویه، محمد بن علی. ۱۳۸۵ش/ ۱۹۶۶م، **علل الشرائع**، چاپ اول، قم: بی نا.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله. ۱۳۸۴ش، **الاشارات**، شارح: قطب الدین رازی و نصیرالدین طوسی، چاپ اول، تهران: بی نا.
- ابن عجیبه، محمد. ۱۴۱۹ق، **البحر الممدید**، تحقیق: عبدالله قرشی، دکتر حسن عباس زکی، قاهره: بی نا. بغوی، حسین بن مسعود. ۱۴۲۰ق، **معالم التنزیل**، تحقیق: عبدالرزاق المهدی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن عربی، محمد بن علی. ۴۲۲ق، **تفسیر ابن عربی**، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- آلوسی، سید محمود. ۱۴۱۵ق، **روح المعانی**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. ۱۴۱۰ق، **غرر الحکم ودرر الکلم**، قم: دار الکتب الاسلامی.
- ثقفی تهرانی، محمد. ۱۳۹۸ق، **تفسیر روان جاوید**، چاپ سوم، تهران: انتشارات برهان.
- جعفری، یعقوب. بی تا، **تفسیر کوثر**، چاپ اول، قم: هجرت.
- جمعی از نویسندگان. ۱۳۸۳ش، **تعالیم قرآن**، چاپ اول، تهران: نمایندگی ولی فقیه در سپاه، تهران.
- حسن بن علی(ع)، **التفسیر إلى الإمام الحسن العسکری**، ۱۴۰۹ ق ۲۶۰ق، چاپ اول، قم: مدرسه الإمام المهدی،
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی. ۱۴۱۴ق، **تاج العروس**، محقق: علی هلالی و علی سیری، بیروت: دار الفکر.
- حسینی استرآبادی، سید شرف الدین علی. ۱۴۰۹ق، **تأویل الآیات**، تحقیق: حسین استاد ولی، قم: حوزه علمیه قم.
- حسینی همدانی، سید محمد. ۱۴۰۴ق، **انوار درخشان**، تحقیق: محمد باقر بهبودی، تهران: کتابفروشی لطفی.
- حیدری، احمد. ۱۳۸۲ش، **عوام و خواص از دیدگاه قرآن**، چاپ اول، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه.
- خمینی(ره)، سید روح الله. ۱۴۰۵ق، **تهذیب الأصول**، تحقیق: جعفر سبحانی، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- خمینی، سید روح الله. ۱۳۷۵ش، **تفسیر سوره حمد**، چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۳ش، **لغتنامه دهخدا**، تهران: دانشگاه تهران.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲ق، **مفردات**، محقق: صفوان عدنان، بیروت- دمشق: دار القلم- الدار الشامیه.

سبحانی، جعفر. ۱۳۰۸ش، **منشور جاوید**، تهران: مؤسسه امام صادق(ع) - مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت(ع).

سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله. ۱۴۰۶ق، **الجديد في تفسير القرآن المجيد**، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.

شرتونی، سعید. ۱۳۷۱ش، **اقرب الموارد في فصح العربية والشوارد**، بیروت: بی نا.

طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۴۱۷ق، **الميزان في تفسير القرآن**، چاپ پنجم، قم: انتشارات حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۶۰ش، **مجمع البيان في تفسير القرآن**، چاپ اول، تهران: انتشارات فراهانی.

طوسی، محمد بن حسن. **التبيان في تفسير القرآن**، تحقیق: احمد قصیر عاملی، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

طیب، سید عبد الحسین. ۱۳۷۸ش، **اطيب البيان في تفسير القرآن**، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلام.

عروسی الحویزی، علی بن جمعة. ۱۱۱۲ق، **نور الثقلين**، محقق: سید هاشم محلاتی، قم: اسماعیلیان. عمید، حسن. بی تا، **فرهنگ لغت عمید**، تهران: امیرکبیر.

غزالی، محمد. ۱۳۷۵ش، **المقصد الأسنى**، مترجم: احمد حواری نسب، تهران: احسان.

فیض کاشانی، ملا محسن. ۱۴۱۵ق، **تفسير الصافي**، تحقیق: حسین اعلمی، چاپ دوم، تهران: انتشارات الصدر.

قزائنی، محسن. ۱۳۸۳ش، **تفسير نور**، چاپ یازدهم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

قرشی، سید علی اکبر. ۱۳۷۷ش، **تفسير احسن الحديث**، چاپ سوم، تهران: بنیاد بعثت.

قمی، علی بن ابراهیم. ۱۴۰۴ق، **تفسير القمي**، محقق: طیب موسوی جزائری، چاپ سوم، قم: دار الكتاب.

کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۰۷ق، **الكافي**، محققان: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الكتب الاسلامیه.

متقی هندی، علاء‌الدین. ۱۴۰۹ق، **كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال**، بیروت: مؤسسة الرسالة.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. ۱۴۰۳ق، **بحار الأنوار**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

محلی و سیوطی، جلال‌الدین. ۱۴۱۶ق، **تفسير الجلالين**، چاپ اول، بیروت: مؤسسة النور للمطبوعات.

محمدی، محمد. ۱۳۸۸ش، **میزان الحکمة**، مترجم: حمیدرضا شیخی، تلخیص: حمید حسنی، قم: دار الحدیث.

مطهری، مرتضی. ۱۳۷۷ش، **مجموعه آثار**، قم: صدرا.

مطهری، محمد ثناء الله. ۱۴۱۲ق، **تفسیر المظہری**، پاکستان: مکتبہ رشیدیہ.

معلوف، لویس. ۱۳۸۳ش، **المنجد فی اللغة والاعلام**، تهران: سلام.

معین، محمد. بی تا، محقق: عزیزالله علیزاده، **فرهنگ فارسی معین**، تهران: بی نا.

مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴ش، **تفسیر نمونه**، چاپ اول، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۷ش، **اخلاق در قرآن**، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).

مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۸۲ش، **مثال‌های زیبایی قرآن**، قم: نسل جوان.

ندوشن، محمد علی اسلامی. ۱۳۷۱ش، **فرهنگ و شبه فرهنگ**، تهران: یزدان.

Bibliography

The Holy Quran

Translation: Late Dashti

Hassan ibn Ali, Interpretation of Imam Hasan Askari (AS) (260 AH), Researcher and Publishing House: Imam Mahdi School of Ayatollah Al-Ta'qali, Printing: First, Qom, 1409 AH

Alousi, Seyyed Mahmoud, Roohollah Al-Me'ani Phi Tafsir al-Quran al-Azim, Dar al-Kabul Al-Ma'miah, Beirut, 1415 AH

Ibn Babouyeh, Mohammad bin Ali, Allah-e-Shira'ah (381 AH), Qom, Printing

Ibn Sina, Hussein ibn Abdullah, Al-Shar'ath and al-Tunbhāt phi al-ma'tabi, Sharah: Mohammad bin Mohammad Qutb al-Din Razi and Mohammad bin Mohammad Nassir al-Din al-Tusi, publication: al-Balagheh, first edition, 2005, Tehran

Ibn Arabi, Muhammad ibn Ali, Interpretation of Ibn Arabi, Dar Ahiya al-Atr al-Arabi, Beirut, Printed: First, 422 AH

Ibn Ajiba, Ahmad ibn Muhammad, Al-Baher al-Mada'id al-Tafsir al-Quran, Research: Ahmad Abdullah Gharishi Roslan, Publishing: Dr. Hassan Abbas Zaki, Cairo, Printing

Baghavi, Hussein ibn Massoud, Research: Abdul Razaq al-Mahdi, Mu'alim al-Tanzil al-Taqsir al-Quran, Dar Alhra'at Al-Arabi, Beirut, First Printing, 1420 AD

Tamimi Amadi, Abdul Wahed Bin Muhammad, Gharar al-Jokm and Dar al-Kalam, Dar al-Kitab al-Islami, Qom, 1410 AD

Saqafi Tehrani, Mohammad, Ravan Javid Interpretation, Barahan Publications, Tehran, Third, 1398 AH

Khomeini (peace be upon him), Sayyid Ruhollah, Prophecy, Research: Jafar Sobhani, Islamic Publishing Institute, Qom, 1405 AH (1963)

Khomeini, Seyyed Ruhollah, Interpretation of Surah Hamd, Institute for the Setting up and Publishing of Imam Khomeini's Works (Tehran), First Printing, 1375

Ja'fari, Ya'qub, Commentary of Kowsar, Hijra, Qom, First edition

- A group of writers ,the teachings of the Qur'an, the representation of the supreme leader in the IRGC, Tehran, first edition, 2004
- Hosseini, Sharaf al-Din Ali, Interpretation of Al-Ayat al-Dharaha, Research: Hossein Ostad Wali ,Islamic Publishing House of the Qom Seminary Teachers' Community, Qom, 1409 AH
- Hosseini Zabidi ,Mohammad Morteza, Researcher: Ali Hilali and Ali Siri, Taj al-Orous Jahar Al-Qamus, Daral-Fakr, Beirut, 1414 AH
- Hosseini Hamedani ,Seyyed Mohammad, Anvar Derakhshan, Research: Mohammad Bagher Behboudi, Lotfi Bookstore, Tehran, 1404, Printing: First
- Heydari, Ahmad, Awam and properties from the point of view of the Qur'an, Research Institute of Islamic Studies of Sepah, Qom, Printing: First, 1382
- Dehkhoda, Ali Akbar ,Dehkhoda Dictionary, Tehran University, Tehran, 1373
- Ragheb Esfahani ,Hussein ibn Muhammad, Mofradat Gharib al-Quran, Researcher: Safwan Adnan Davoodi, Dar al-Kalam, Dar al-Shamia, Beirut-Damascus, 1412 AH
- Sabzevari Najafi ,Mohammad ibn Habibollah, Al-Jadid Fatehsir al-Qur'an al-Majid, The Paper Statement of the Press, Beirut, 1406 AH
- Sobhani, Jafar ,Jamshid Javid, Tehran: Imam Sadiq Institute (AS) - Ahlul Bayt Research and Publishing Institute (AS), 1308
- Shartooni, Sa'id ,Aqrab al-Mward Phi Pash al-Arabiya and Althaward, Beirut, Lebanon Printing
- Feyz Kashani, Mullah Mohsen, Tafsir Al-Safi, Research: Hossein Aalami, Al-Sadr Publications, Tehran ,Second Printing, 1415 AH
- Qareati, Mohsen ,Commentary on Noor, Cultural Center Lessons from the Quran, Tehran, 2004 ,Printing: Eleventh
- Gharashi, Seyed Ali Akbar, Tafsir Ahsan al-Hadith, Beastat Foundation, Tehran, 1998, Printing :Third
- Qomi, Ali ibn Ebrahim (۳rd Century AD), Tafsir Al-Qomi, Researcher: Tayeb Mousavi Isaeeri ,Publishing: Dar al-Qa'at, Third edition, Qom, 1404 AH
- Amid, Hassan, Amid Dictionary, Amir Kabir, Tehran, Iran
- The Wedding of Al-Hawizi, Abdul Ali Ben-Bend, The Interpretation of Noor Al-Taqalin, The Researcher: Mahallah's Rasool, Hashem, Publishing: Ismaili, Qom, Fourth Edition, 1415 AH
- Ghazali, Mohammad ,Translator: Ahmad Havari, Al-Muqaddas al-Asnī Fe Description of Asma al-Hasani ,Ehsan, Tehran, 1375
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hussein, Al-Mizan, Qom, Fifth Edition, 1417 AH
- Tabarsi ,Hassan, Al-Fayyān Fei Tafsir al-Quran, Farahani Publication, Tehran, Edition1, 1360
- Tusi, Mohammad ibn Hassan, Al-Tobayan ,Tafsir al-Quran, Research: Ahmad Qusir al-Amali, Dar Ahiya al-'Attis al-Arabi ,Beirut, Printing: First
- Tayyeb, Sayyid Abdul Hussein, Atab al-Bayan Fi Tafsir Al-Quran, Islam Publishing, Tehran, Second Edition, 1999
- Clayni, Mohammed ibn Ya'qub ,Researchers: Ali Akbar Ghaffari and Mohammad Akhundi, Allafi, Dar al-Kabul al-Eslamiyah, Tehran, 1407 AH
- Mottaki Indi ,Aladdin, Kenzalammal Phi Sanaan al-Aqul and al-Aqal, Beirut: Al-Rasullah Institute, 1409 AH
- Local, Jalal al-Din and Jalal al-Din Siouti, commentary on al-Jalalin, research: Abdurrahman ibn Abu Bakr Siyoti, Al-Nour Institute of Literature, Beirut, Printing: first, 1416 AH

- Makarem Shirazi ,Nasser, Sample Commentary, Darolkb al-Eslamiyeh, Tehran, 1374
Makarem Shirazi ,Nasser, ethics in the Qur'an, Imam Ali bin Abi Talib (AS) school, Qom, 1377
Makarem Shirazi ,Nasser, Beautiful examples of Quran, young generation, Qom, 1382
Motahari, Morteza ,Collection of works, Sadra, Qom, 1377
Ma'zari, Mohammad Sana'at Allah, Ta'sir al-Moushari, Maktobe Rushdieh, Pakistan, 1412 AH
Majlesi, Mohammad Baqer ibn Mohammad Taghi, Baharalanvar, Dar Alhayat al-Tarath Al-Arabi, Beirut
Maalouf, Lewis ,upholstered Allghh and ALALAM Fi, Hi, Tehran, 1383 Š
Mo'in, Mohammad ,Researcher: Azizullah Alizadeh, Persian Culture, Dean, Tehran
Mohammadi, Mohammad ,Translator: Hamid Reza Sheikhi, Tablaze: Hamid Hasani, Al-Hekmah ,Daral-Hadith, Publishing Organization, Qom, 2009
Nodoshan, Mohammad Ali Islami, Culture and Pseudo-Culture, Yazdan, Tehran, 1371
SahebiM.R, Mohammad Javad book: Relations between religion and culture in Iran

نقش پرستش و بندگی خدا در فرهنگ زندگی و کمال انسانی از دیدگاه آیات قرآن و روایات/ ۵۷۳
